فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، ص ص۱۲۲-۹۷

بازنمایی گفتمان مشروعیت فعالیت هسته‌ای ایران از نگاه آمریکا

مریم‌سادات غیاثیان[۱]
استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)
زهرا نامور[۲]
دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور تهران
بلقیس روشن[۳]
استادیار گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور تهران
علی‌اصغر سلطانی[٤]
استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه باقرالعلوم قم

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۲/۱۱
تاریخ پذیرش: ۹۲/۰٤/۰۵

چکیده

نویسنده/ سیاست‌مدار ایدئولوژی شخصی خود یا گروهش را در تولید متن سیاسی و با هدف خاصی به‌کار می‌گیرد. این ایدئولوژی را می‌توان از طریق شناخت راهکار گفتمانی انکار استخراج نمود که در آن، چیزی در ابتدا به‌حالت مثبت ارائه و سپس با استفاده از یک اصطلاح خاص مانند «اما» رد می‌شود و برای مشروعیت‌بخشی به «خود» و مشروعیت‌زدایی از «دیگری» به‌کار می‌رود. ساختار خرد متن سرمقالات غربی که به موضوع فعالیت هسته‌ای ایران اختصاص یافته‌اند، همراه با شیوه انکار، مشروعیت این فعالیت و سلطه آمریکا بر آن را بازنمایی می‌کنند. بر این اساس، مقاله پیش‌روی، با رویکردی انتقادی، کاربرد انکار را در سرمقالات مذکور در روزنامه‌های آمریکایی واشنگتن‌پست و وال‌استریت‌ژورنال و روزنامه‌های انگلیسی ایندیپندنت و گاردین در مقطع زمانی ۲۰۰۹ مورد بررسی قرار داده است تا در پی پاسخ این سؤال باشد که چگونه مطبوعات غربی مشروعیت فعالیت هسته‌ای ایران را از نگاه آمریکا بازنمایی کرده‌اند. ماحصل یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رویکرد آمریکا نسبت به فعالیت هسته‌ای ایران، رویکرد تک‌قطبی و انحصاری است و مطبوعات غربی در جهت مشروعیت‌بخشی به این نگرش، بیشترین استفاده را از راهکار انکار به‌شیوه موجه‌سازی نظری و جلوه‌نمایی عقلانی دارند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، فعالیت هسته‌ای ایران، مشروعیت‌بخشی به خود، مشروعیت‌زدایی از دیگری، انکار.

1. m_ghiasian@pnu.ac.ir.
2. za_namvar@yahoo.com.
3. sh.melikana@yahoo.com.
4. aasultani@yahoo.com.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

مقدمه

اعمال قدرت از سوی دولت‌ها برای دستیابی به منافع خود و اعمال سلطه بر دیگر کشورها با اســتفاده از روش‌های مختلفی مثل زور، خشــونت، جنگ نرم و غیره صورت می‌گیرد. در واقع، دولت‌های قدرتمند مبنای حقانیت و تجویز اعمال ســلطه خود را به صورت‌های مختلفی مشروع جلوه می‌دهند. دولت‌های حاکم و مسلط، در یک ساختار اجتماعی نابرابر و تضادآمیز، برای سازگار کردن ذهنیت افراد با شرایط رنج‌آور عینی، یعنی پر کردن شکاف بین ذهن و عین، به مفاهیم ایدئولوژی و ســلطه متوســل می‌شوند. در چنین شرایطی، زبان بیشــترین نقش را در تبلیغات فریبنده و مشروعیت‌بخش دارد. زبان سرشار از اصطلاحات ارزشــی همراه با تنفر و علاقه اســت؛ علاقه به آنهایی که تسلیم سازوکار قدرت شده‌اند و تنفر از آنهایی که در این ســازوکار قدرتمندانه، حل و جذب نشــده‌اند (ون‌دایک،[1] ۱۹۹۳: ۲۵۱). بســیاری از مسائل حاد سیاسی، بر محور زبان می‌چرخد. در واقع، قدرت ساختاری زبان این فرصت را در اختیار دولت‌های قدرتمند قرار می‌دهد تا ســلطه خود را در عرصه نحــو و واژگان از طریق تحریف واقعیت، بازتولید و اعمال کنند و گفتمان حاکم جامعه را به نفع خود و حامیان خویش جهت دهند.

در مورد مسئله هسته‌ای ایران، نظم گفتمانی حاکم بر مطبوعات غربی در به تصویر کشیدن سلطه دولت آمریکا به این گونه است که با زبان قدرت سعی در مشروعیت‌بخشی به خود[2] و ارائه تصویری مثبت از اعمال حاکمیت خود بر این مسئله و نیز مشروعیت‌زدایی از دیگری[3] (ایران) دارد. لذا، تحلیل گفتمان سرمقالات غربی مرتبط با این موضوع برای کشف روابط و مناســبات قدرت در جهت بازتولید و حفظ ساختارهای اجتماعی و سیاسی خود و همچنین آشــکار کردن راهکارهای زبانی این مشروعیت‌بخشی/ زدایی ضروری به‌نظرمی‌رسد. در این مقاله برآنیم تا با رویکرد کیفی تحلیل گفتمان انتقادی ون‌دایک، روابط قدرت و شــگردهای زبانی وابســته به آن را در جریان اعمال حاکمیت آمریکا در خصوص فعالیت هسته‌ای ایران در ســرمقالات روزنامه‌های آمریکایی **واشنگتن‌پســت** و **وال‌استریت‌ژورنال** و روزنامه‌های انگلیسی **ایندیپندنت** و گاردین در مقطع زمانی ۲۰۰۹ نشان داده و به این سؤال پاسخ دهیم که

1. T. Van Dijk.
2. self-legitimation.
3. other-delegitimation.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

چگونه مطبوعات غربی جریان مشروعیت‌بخشی به حاکمیت آمریکا بر فعالیت هسته‌ای ایران را با استفاده از راهکارهای گفتمانی بازنمایی می‌کنند.

پیشینه تحقیق

هدف از تگفا[1] در مطبوعات، کشـف ماهیت این متون و کارکرد ایدئولوژیک آن در سطوح گوناگون زبان اسـت. از جمله برجسته‌ترین افرادی که این رویکرد را از بعد روش مدنظر قرار داده‌اند، می‌توان به ون‌دایک (۱۹۸۸، ۱۹۹۱، ۱۹۹۳، ۱۹۹۶، ۱۹۹۸، ۲۰۰۶ب)، فرکلاف[2] (۱۹۸۹، ۲۰۰۳، ۲۰۰۸)، فاولـر[3] (۱۹۹۱)، شـولیاراکی و فرکلاف (۱۹۹۱)، وداک[4] (۱۹۹۶)، فـرکلاف و وداک (۱۹۹۷)، جی[5] (۲۰۰۲)، شـولیاراکی[6] (۲۰۰۵)، ریچاردسـون[7] (۲۰۰۷)، ون‌لیوون[8] (۲۰۰۸)، وداک و میر[9] (۲۰۰۹) و فرکلاف و فرکلاف (۲۰۱۲) اشاره کرد.

از جمله زبان‌شناسان ایرانی نیز که به تحلیل گفتمان متون درباره موضوعات گوناگونی پرداخته‌اند می‌توان به موارد زیر اشـاره نمود: حیـدری تبریزی و رزمجو (۱۳۸٤)، غیاثیان (۱۳۸٦، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸)، عامری گلسـتانی و قادری (۱۳۹۱)، عسگرخانی و بابایی(۱۳۹۱)، دعاگویان (۱۳۸۷)، ایزدی و سـقای بی‌ریا (۱۳۸۷)، پهلوان‌نژاد و دیگران (۱۳۸۸)، ذوالفقار روشـن (۱۳۸۸)، بشیر (۱۳۸۹)، صاحبی و دیگران (۱۳۸۹)، حشمت‌زاده، غیاثیان و اکوانی (۱۳۹۰)، حق‌پرسـت (۱۳۹۱)، پوشـنه و بابک معین (۱۳۹۲). در این نوع آثار، از زوایایی همچون شرق‌شناسی و بازنمایی رسانه‌ای ایران در آمریکا، استفاده از تگفا در جهت کشف ایدئولوژی سـلطه، گفتمان اسلام‌هراسی، گفتمان غیرعقلانی درباره امنیت خلیج فارس بعد از انقلاب اسـلامی ایران، بررسـی بازی‌های زبانی در گفتمان هسته‌ای، آشنایی با مهم‌ترین جهت‌گیری‌های روزنامه‌های غربی، ارزیابی چگونگی برجسته‌سازی اخبار انرژی هسته‌ای،

۱. غیاثیان (۱۳۸٦) برای اولین بار این سرواژه را به جای اصطلاح «تحلیل گفتمان انتقادی» وضع کرد.

2. N. Fairclough.
3. R. Fowler.
4. R. Wodak.
5. J. P. Jee.
6. L. Chouliaraki.
7. J. Richardson.
8. T. Van Leeuwen.
9. M. Meyer.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.20286/priw-030297]

تحلیل کمی مضامین شرق‌شناسانه، تحلیل محتوای اخبار، تحلیل بازنمایی گفتمان هسته‌ای در روایت‌های رؤسای جمهور ایران و آمریکا، و تحلیل انتقادی برخی متون ادبی به برخی از این متون نگریسته شده است.

برخی از محققان هم ساختار گفتمان مکتوب را در طی فرایند مشروعیت‌بخشی/ زدایی مورد بحث قرار داده‌اند. به‌طور مثال، آمر[1] (۲۰۰۹) راهکار مشروعیت‌زدایی از دومین انتقاضه فلسطینیان را در گفتمان توماس فردمن[2] مطالعه کرده است. او در این پژوهش تلاش کرده است تا ساختار استدلالی و بازنمایی سیاسی «خود» و «دیگری» را با به‌کارگیری رویکرد کاربردشناختی، معناشناختی، و سیاسی/ اجتماعی بررسی کند. پس از او، ریچاردسون[3] و بارخو[4] (۲۰۰۹) این موضوع را تحلیل کرده‌اند که چگونه شبکه خبری بی. بی. سی، گفتمان فلسطین و اسرائیل را از طریق بازنمایی استدلالی و بازنمایی صنایع بیانی کلامی و دیداری خلق می‌کند.

همچنین، کامالو[5] (۲۰۱۱) راهکار حفظ چهره مثبت و منفی را با استفاده از راهکارهای بلاغی[6] در تگفا مورد مطالعه قرار داده است. مطالعه او بر روی «اهمیت اعلامیه گودلاک جاناتان»[7] نشان می‌دهد که ممکن است رهبر سیاسی در اعمال مشروعیت به خود و یا مشروعیت‌زدایی از دیگری از برخی راهکارها مانند «پیشرفت شخصی»[8] یا «آرایش ضمایر»[9] استفاده کند.

علاوه بر این، دی اولیورا[10] (۲۰۱۱) در پژوهش خود با عنوان «راهکار مشروعیت روزف در ارتقا برزیل»،[11] نقش زنان را در توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برزیل، از طریق راهکار «مبتداسازی»[12] مطالعه کرده است که در نهایت، می‌تواند «اقتدار»[13] آنان

1. M. M. Amer.
2. T. Friedman.
3. J. Richardson.
4. L. Barkho.
5. I. Kamalu.
6. rhetoric devices.
7. Goodluck Jonathan's declaration interest.
8. personal accomplishment.
9. deployment of pronoun.
10. S. De Olivera.
11. Rousseff's Legitimation Strategy in Promoting Brazil.
12. topicalization.
13. authorization.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

را تقویت کند و طی فرایندی، مردم را متقاعد کند که برزیل حائز شـرایط کافی اسـت تا به‌عنوان عضو دائمی سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شود.

برخـی محققان همچون ریز،[1] با مطـرح کردن کارآیی راهکار مشـروعیت در گفتمان سیاسی، مشروعیت را در حکم تلاش برای قانونی کردن چیزی می‌داند. شولیاراکی (۲۰۰۵، ذکـر شـده در ریز، ۲۰۱۱) نیز مشـروعیت را «قـدرت نمادینی»[2] می‌داند کـه برای اعتبار بخشـیدن به کنشی به کار می‌آید. ساچمن[3] (۱۹۹۵، ذکر شده در زو[4] و مکنا،[5] ۲۰۱۲: ۲۵۷) مشـروعیت را گزاره‌های گسترده درباره «شایسـتگی»[6] پدیده خاص اجتماعی درون «نظام قراردادهای اجتماعی»[7] تعریف می‌کند.

ریز معتقد اسـت که نویسنده یا سیاسـت‌مدار، مشروعیت‌بخشی/ زدایی را با پنج شیوه اعمال می‌کند: ۱- درخواسـت عاطفی[8] که در آن نویسـنده/ سیاسـت‌مدار، احساساتش را درون اسـتدلالی متجلی می‌کند که ترسـیم‌کننده گروه «ما» و گروه «آنها»سـت؛ ۲- آینده فرضـی،[9] به معنـی وجود تهدیدی در آینده که نهایتاً مسـتلزم انجام عمـل قریب‌الوقوعی اسـت؛ ۳- عقلانیت،[10] به این حالت که سیاسـت‌مدار، کنشـی را از طریق تشـکیل عقل سـلیم (تصمیم‌گیری از طریق روش درست) عقلانی می‌کند که جامعه آن را به‌طور منطقی می‌پذیرد. ون‌لیوون (۲۰۰۸: ۱۱۶) این امر را «موجه‌سازی نظری»[11] می‌نامد. در موجه‌سازی نظری، مشروعیت‌بخشـی بر این اصل استوار است که آیا کنش بر پایه نوعی حقیقت، یا بر روشـی که امور هستند، قرار دارد یا نه، و بازنمایی آشکاری را از آن ارائه می‌دهد؛ ٤- نظر کارشناسـانه،[12] کنشـی که تحت حمایت کارشناسان قرار دارد. چیزی که ون‌لیوون، راهکار

1. A. Reyes.
2. symbolic power.
3. M. C. suchman.
4. Y. Zu.
5. B. Mc Kenna.
6. appropriateness.
7. social contract system.
8. Emotional Appealing.
9. Hypothethical Future.
10. rationality.
11. Theoritical Authorization.
12. Voice of Expertise.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.20286/priw-030297]

«اقتداربخشـــی»[1] می‌داند (۲۰۰۸: ۱۰۸) و ۵- نوع‌دوســـتی،[2] به این صورت که سیاست‌مدار تلاش می‌کند تا متقاعد کند که یک کنش، صرفاً تحقق منافع شـــخصی را در بر ندارد، بلکه برای همگان مفید است (ریز، ۲۰۱۱: ۷۸۷-۷۸۵).

از دیگر آثار پژوهشـــی انجام شـــده تحلیلگران انتقادی در بحث مشروعیت می‌توان به روی[3] (۲۰۰۳)، باگز[4] (۲۰۰۳)، شافنر[5] (۲۰۰٤)، فرکلاف (۲۰۰۸)، چانگ[6] (۲۰۰۸)، مارتین[7] (۲۰۱۲)، و الکساندر[8] (۲۰۱۲) اشاره داشت.

مشـــخص است که رویداد گفتمانی به‌طور طبیعی اتفاق نمی‌افتد، بلکه از طریق موقعیت، نهاد و ساختار اجتماعی شکل می‌گیرد و گفتمان نیز آنها را شکل می‌دهد. از تحلیل‌گر گفتمان انتقادی انتظار می‌رود تا قدرت نامتوازن یا بازنمایی نابرابر در گفتمان ســـرمقاله را کشف کند که منجر به حفظ «رابطه قدرت نامتقارن»[9] می‌شود (فرکلاف و وداک، ۱۹۹۷: ۲۵۸).

نویسندگان سرمقالات بیشتر اوقات پیام مورد نظر خود را از طریق کاربرد مؤثر زبان ابلاغ می‌کنند. آنها می‌توانند یک موضوع خاص را انتخاب کنند و طیف اعمال ایدئولوژیک و فرایند سلطه را درون گفتمان متن سرمقاله به‌کار برند و نظر خوانندگان را جلب کنند. چنین پیام‌های پنهانی را می‌توان با شناسایی مؤلفه‌های زبان‌شناختی مانند نحو و یا انتخاب واژگان، در درون متن ســـرمقاله مورد بررســـی قرار داد. یکی از راهکارهای گفتمانی، شیوه انکار[10] است، یعنی روش ارائه مثبت چیزی و بعد رد آن توســـط نویســـنده/ سیاست‌مدار، به‌منظور حفظ جایگاه گروه خود (ون‌دایک، ۱۹۹۸). بر این اساس، موشکافی راهکار انکار می‌تواند بحث در مورد مشروعیت‌بخشـــی/ مشـــروعیت‌زدایی اعمال‌شده از سوی سیاســـت‌مداران یا رهبران را برای جلب مخاطبان تحکیم بخشد و به افزایش آگاهی مردم از دستکاری متن مطبوعاتی کمک کند.

1.. Authorization.
2. Altruism.
3. A. Roy.
4. C. Boggs.
5. C. Schaffner.
6. G. Chang.
7. J. Martin.
8. M. F. Alexander.
9. asymmetrical power relation.
10. disclaimer.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.20286/priw-030297]

موضوع فعالیت هسته‌ای ایران همواره یکی از چالش‌های پیش روی جامعه غربی بوده که مورد تحلیل افکار عمومی و منشأ سیاست‌گذاری دولت‌مردان آنها قرار گرفته است. دولت‌های غربی نهایت تلاش خود را برای سد کردن راه دستیابی ایران به این انرژی به کار گرفته‌اند. تلاش مداوم جمهوری اسلامی برای دستیابی به انرژی هسته‌ای در کنار مانع‌تراشی‌های دولت‌های غربی باعث شده تا این حرکت با فراز و نشیب‌های فراوان روبه‌رو باشد. لذا، اهمیت رویداد دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای و نقش آن در شکل‌گیری دیپلماسی کشور و شناخت سیاست‌گذاری رسانه‌ای غرب در قبال این فعالیت علمی با توجه به موقعیت راهبردی ایران سبب گردیده تا بازخوانی و تحلیل سرمقالات غربی مرتبط با آن ضروری و لازم بنماید. شایان ذکر است که در مقایسه با مطالعات پیشین، ویژگی ممتاز این تحقیق، شناخت کاربرد راهکار انکار، به‌عنوان راهکار مشروعیت‌بخشی/ زدایی فعالیت هسته‌ای ایران از سوی دولت آمریکا است که تا به حال در پژوهش‌ها مورد بررسی قرار نگرفته است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چارچوب نظری

یکی از مفاهیم مهم در تگفا، مفهوم ایدئولوژی است. ون‌دایک ایدئولوژی را نظامی از باورها و علائق و منافع مشترک خاص افراد یک گروه اجتماعی می‌داند. او معتقد است که ایدئولوژی می‌تواند منفی باشد که در این صورت سازوکار مشروعیت‌بخشی به سلطه محسوب می‌شود و یا می‌تواند مثبت باشد که در این صورت برای مشروعیت‌بخشی به مقاومت در برابر سلطه و نابرابری‌های اجتماعی به‌کار می‌رود؛ ایدئولوژی‌های ضدنژادپرستی و فمنیستی از این جمله‌اند. یکی از کردارهای اجتماعی که شدیداً تحت تأثیر ایدئولوژی قرار دارد، کاربرد زبان و گفتمان است (ون‌دایک، ۱۹۹۸: ٦-٤). گروهی که قدرت دارد، گفتمان را کنترل می‌کند. قدرت اجتماعی این گروه نتیجه دسترسی و کنترل منابعی همچون نیروهای نظامی، اطلاعات و رسانه‌هاست. گروه‌های حاکم از طریق متن رسانه‌ای، با استفاده از فن دستکاری اطلاعات، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر اذهان مردم تأثیرگذارند. قدرت حاکم در قوانین، هنجارها و حتی توافق عامه منسجم می‌شود و در نهایت هژمونی[1] را تولید می‌کند. چنین هژمونی‌ای را می‌توان از فرایند مشروعیت‌بخشی/ زدایی شناسایی کرد (گرامشی،[2] ۱۹۷۱، نقل‌شده در

1. hegemony.
2. A. Gramci.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.20286/priw-030297]

ون‌دایک، ۱۹۹۸: ۳۵۵). ون‌دایک این‌گونه استدلال می‌کند که ایدئولوژی سلطه به‌عنوان قدرت اقتداربخش سیاسی است که نهایتاً قطب‌بندی «ما»ی مثبت/ درون‌گروهی و «آنها»ی منفی/ برون‌گروهی را باز می‌نمایاند.

با مروری بر ادبیات علوم سیاسی می‌بینیم که مشروعیت سیاسی بیان‌کننده رابطه بیان افراد جامعه و قدرت سیاسی است. بسیاری از مباحث مربوط به شیوه حکمرانی دولت‌ها با ایده مشروعیت سروکار دارند (اندرین، ۱۳۷۸). منظور از مشروعیت، حق دولت‌ها به اعمال قدرت بر مردم و گسترش حقانیت این اعمال قدرت است. در واقع، مشروعیت را می‌توان مبنای حقانیت و تجویز اعمال هژمونی تعریف نمود (پورعزت، ۱۳۸۷).

متن گفتمان سیاسی، که حاوی ایدئولوژی و اهداف خاصی است از طریق نهاد اجتماعی رسانه، به‌گونه‌ای طبیعی و منطقی جلوه داده می‌شود. تحلیل‌گران انتقادی سعی می‌کنند برای شناسایی این ایدئولوژی پنهان، با بهره‌گیری از راهکارهای موجود در تحلیل متن، آنچه را که در ورای ساختار متون قرار دارد، آشکار کنند. از جمله پیشگامان تگفای متون مطبوعاتی، تئون. ای. ون‌دایک است که تحلیل خود را در دو سطح تحلیلی خرد[1] و کلان[2] انجام می‌دهد. متن سرمقاله را می‌توان به‌عنوان کنش گفتمانی، با تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های زبان‌شناختی متن به‌عنوان کوچکترین عنصر متن (ساختار خرد) که نشان‌دهنده دیدگاه کلی و محور گفتمان خاصی است، و موضوع اصلی سرمقاله (ساختار کلان)، یا چگونگی ارائه متن (ساختار گفتمانی)، مورد بررسی قرار داد. به عبارتی، از نظر ون‌دایک، تحلیل گفتمان از یک سو، بر متن گفتمان و کنش ارتباطی و از سوی دیگر، بر ایدئولوژی پنهان نویسندگان در سطح تحلیل خرد متمرکز است. در سطح تحلیل کلان، نظام‌های ساختارهای گفتمان یا همان نظام‌های اجتماعی، سیاسی، تاریخی و غیره متن مورد توجه تحلیل‌گر قرار می‌گیرد. در این سطح، کنش متقابل یک رویداد ارتباطی در موقعیت اجتماعی به‌همراه ساختارهای موضوعی و طرح کلی متن تحلیل می‌شود.

در ساختار خرد متن، مواردی همچون نحو و انتخاب واژگان مطرح می‌شود. نحو، ویژگی است که می‌تواند جنبه‌های معناشناختی متن را روشن کند. یکی از مؤثرترین کاربرد راهکارهای نحوی، استفاده از ضمایر «ما» و «آنها» است. این راهکار، شیوه‌ای است که

1. micro structure.
2. macro structure.

فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
۱۰۴
سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.20286/priw-030297]

نویسنده از طریق آن، بین جامعه درون‌گروهی و جامعه برون‌گروهی، قطبی‌سازی[1] می‌کند. جامعه درون‌گروه (ما) به روشی مثبت بازنمایی می‌شود، در حالی که جامعه برون‌گروه (آنها) به روشی منفی نشان داده می‌شود. چنین شیوه‌ای می‌تواند به‌خوبی، مرز یا فاصله بین آن جوامع را ایجاد کند. علاوه بر این، ایده انتخاب واژگان، به‌شدت با جنبه معناشناختی متن ارتباط دارد. نویسنده می‌تواند اعضای داخل و خارج از گروه خود را به تصویر بکشد، یا حتی از طریق واژگان متنوع، این موقعیت را مشروعیت بخشد یا مشروعیت‌زدایی کند، زیرا استفاده یا انتخاب یک واژه، یک رویداد اتفاقی نیست.

ساختار خُرد انکار، یک راهکار گفتمانی است که نویسنده در آن گزاره‌ای مثبت را ارائه می‌دهد و سپس آن را با یک اصطلاح خاص مانند «اما» رد می‌کند. راهکار انکار معمولاً به‌حالت بازنمایی مثبت از خود به‌کار می‌رود. به‌علاوه، این راهکار از طریق احترام به مخاطب، و در عین حال مشروعیت‌بخشی اعضای داخل گروه و مشروعیت‌زدایی خارج از گروه، برای حفظ چهره و موضع سیاسی سیاست‌مدار عمل می‌کند. زیرا این سیاست‌مدار انتظار ندارد که مخاطبانش ذهنیت منفی از او داشته باشند. باید تأکید کنیم که همه کاربردهای «اما»، کاربرد انکاری نیست. حروف ربطی[2] مانند «اما»، زمانی عملکرد انکار را دارد که گزاره درون بند قبلی، نشان‌دهنده بازنمایی مثبت از خود باشد و به دنبال آن ارزیابی منفی عضو خارج از گروه در بند بعدی را در پی داشته باشد.

شیوه گفتمانی انکار می‌تواند بازنمایی شناختی و فرایند اعمال قدرت را برجسته کند زیرا متن از طریق ساختار گفتمان و راه‌های مختلف نمایش گفتمان، طراحی می‌شود. از این روش، عمدتاً برای جانبداری، تعدیل و یا حفظ چهره سیاست‌مدار استفاده می‌شود. از جمله راهکارهای مختلف انکار عبارتند از:

۱- انکار با عملکرد رد یا نفی صوری، به این نحو که گزاره اول مستقیماً از طریق راهکار انکار نفی می‌شود (من چیزی علیه x ندارم، اما ...).

۲- انکار با عملکرد پذیرش صوری، به این حالت که نویسنده سعی می‌کند به مخاطب بند اول احترام بگذارد، اما بعداً آن را رد می‌کند (ممکن است آنها بسیار باهوش باشند، اما ...).

1. polarization.
2. conjunction.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

۳- انکار با عملکرد همدلی صوری، یعنی نویسنده سعی می‌کند تا در درون انکار کردن اقدام به همدلی کند (ممکن است آنها مشکل داشته باشند، اما ...).

٤- انکار نشـــان‌گر تلاش صوری، که در آن نویسنده، تلاش خود را به تصویر می‌کشد (ما هر کاری که بتوانیم انجام می‌دهیم، اما ...).

۵- انکار نشان‌گر عذرخواهی، یعنی سیاست‌مدار عذرخواهی خود را برای تأثیرگذاری افکارش نشان می‌دهد (عذر می‌خواهم، اما ...).

٦- انکار با عملکرد انتقال، به این طریق که سیاست‌مدار موضوعات داغ سیاسی را کنار می‌گذارد (من هیچ مشکلی با آنها ندارم، اما موکلین من ...).

۷- انـــکار با عملکرد وارونگی، به‌این معنی که نویســـنده، قربانی را مقصر تلقی می‌کند (آنها مورد تبعیض واقع نشده‌اند، اما ما شده‌ایم) (ون‌دایک، ۱۹۹۸).

در مورد مناقشـــات اتمی ایران و آمریکا، ما شاهد تلاش آمریکا، از طریق عملکرد متنی برای توجیه هدف مورد نظر و اقدام به تولید مشروعیت سیاسی حاکمیت آن هستیم. راهکار انکار در سرمقالات غربی، برای مشروعیت‌بخشی به اهداف آمریکا و تقویت موضع سیاسی آن، و مشـــروعیت‌زدایی از برخـــی پیشـــنهادات و دلایل ایران برای ادامه فعالیت هســـته‌ای اعمال می‌شـــود. از همه مهم‌تر، نویسندگان ســـرمقالات غربی، از ساختار خرد درون انکار بهره می‌گیرند تا مشـــروعیت آمریکا و عدم مشـــروعیت ایران در انجام فعالیت هسته‌ای را به‌عنوان عضو خارج از گروه تشریح کنند. بنابراین تجزیه و تحلیل سرمقالات غربی مرتبط با فعالیت هسته‌ای ایران، با استفاده از این چارچوب نظری، و از طریق ساختار خرد انکار، به‌عنوان یک راهکار گفتمانی، در راســـتای مشروعیت‌بخشی آمریکا به خود (درون‌گروه) و مشروعیت‌زدایی از ایران (برون‌گروه) مقتضی به‌نظرمی‌رسد.

روش تحقیق

جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۲ سرمقاله از روزنامه‌های **وال‌استریت‌ژورنال** و **واشنگتن‌پست** از آمریـــکا و روزنامه‌هـــای **ایندیپندنت** و **گاردین** از انگلیس در ســـال ۲۰۰۹ اســـت. در این تحقیق، نگرش آمریکا و نویسندگان غربی در ترسیم فضای کلی گفتمان هسته‌ای ایران بررسی می‌شود. جامعه نمونه تحقیق شامل هشت گزیده از این روزنامه‌ها در مورد فعالیت هسته‌ای ایران در مقطع زمانی سال ۲۰۰۹ است که به‌عنوان دوره مورد مطالعه تحقیق، بررسی می‌شوند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

ایــن مقطع زمانی با دهمین دوره انتخابات ریاســت جمهوری اســلامی ایران و فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای رو به رشد از یک سو، و تشکیل برخی گفتمان‌های مخالف با دولت دهم در داخل کشور و مخالفت آمریکا با فعالیت‌های هسته‌ای، اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران و همراهی با برخی مخالفین دولت از دیگر سو مقارن بوده است.

برای کســب داده‌های معتبر، نویســندگان از چند مرحله استفاده کرده‌اند. اولاً، جملات حاوی عناصر ساختار خرد را جداسازی و ثانیاً، جملات حاوی اصطلاح «اما» را به جملات انکاری و غیرانکاری، تقســیم‌بندی، و ســرانجام، جملات حاوی راهــکار انکار را انتخاب کرده‌اند. لازم به ذکر اســت، در بخش تحلیل، جملاتی که مرتبط با انکار هستند، به‌صورت کج‌نوشت نوشته شده‌اند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

یافته‌ها

حفظ ارتباط مؤثر، جوهره زبان است. لذا، نویسنده یا سیاست‌مدار مسئولیت احترام گذاشتن به مخاطبان خود را دارد، که ممکن اســت دیدگاه‌های مختلفی درباره یک موضوع خاص داشــته باشــند. بر این اساس، نویســندگان/ سیاســت‌مداران آمریکایی در این مطالعه، باید نظرات خود را مبنی بر توقف غنی‌ســازی اورانیم از سوی ایران بدون تبعیض واضح ایران ارائــه دهند. این روش گفتمانی انکار اســت که در اظهارات دولت‌مــردان آمریکایی برای مشروعیت‌بخشیدن به موضع سیاسی خود کارآیی دارد. در ادامه، برخی از انکارهای موجود در متن سرمقالات غربی مورد تحلیل در خصوص مشروعیت فعالیت هسته‌ای ایران، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

Excerpt 1) Obama said ”we have offered Iran a clear path toward greater international integration if it lives up to its obligations, and that offer stands,” the U.S. president said, “but the Iranian government must now demonstrate through deeds its peaceful intentional law.” (Washington post, 26 september 2009).

گزیده ۱) اوباما گفت: «**ما** راه روشــنی را به سمت یکپارچگی بیشتر بین‌المللی به ایران پیشنهاد کرده‌ایم، اگر (ایران) به تعهدات خود عمل کند، این پیشنهاد پابرجا می‌ماند». رئیس جمهــور آمریکا گفت: «**ولــی دولت ایران باید اکنون قانــون صلح‌آمیز عمدی‌اش را از طریق اعمالش نشان دهد**».

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.20286/priw-030297]

در ایــن گزیــده، اوباما زمان حال کامل را همراه با راهکار انکار به‌کار برده اســت. این شیوه حاکی از تداوم ارائه پیشنهادات مثبت آمریکا و متحدانش به ایران، در خصوص حل مناقشــات هسته‌ای، در مدتی طولانی از گذشته تا به حال است. به علاوه، چنین ساختاری از طریق استفاده از یک فعل گذرا[1] (have offered) + مفعول (a clear path) تقویت شده اســت. این ساختار در راســتای بازنمایی مثبت غرب به‌عنوان کنشگری که مشتاق وحدت بین‌المللی اســت و همزمان به‌عنوان راهکار مشــروعیت‌زدایی و بازنمایی منفی ایران عمل می‌کنــد. بــه این معنا که ایران قصد ندارد به ســمت رعایت مفاد توافق‌نامه منع گســترش سلاح‌های هسته‌ای، ان. پی. تی.[2] و نهایتاً اتحاد بین‌المللی گام بردارد.

بنابرایــن، می‌بینیم کــه در این گزیده، راهــکار نفی صوری به‌کار رفته اســت تا منافع سیاســی غرب در دســتیابی به وحدت بین‌المللی و توقف فعالیت هسته‌ای ایران را عقلانی جلوه دهد. تجلی مشروعیت‌بخشــی به خود (نگرش غرب) و مشروعیت‌زدایی از دیگری (ایران) به‌گونه‌ای اســت که روش تصمیم‌گیری غرب درســت و عقلانی بازنمایی می‌شود. اوباما با بهره‌گیری از موجه‌ســازی نظری، احساساتش را درون استدلالی متجلی می‌کند که نشان‌گر گروه «ما» و «آنها»ست؛ به این معنی که گروه «ما» (دولت‌های غربی مخالف فعالیت هسته‌ای ایران) با هم درگیر این مسئله هستند و پیشنهادات منطقی می‌دهند.

Excerpt 2) The resolution begins to lay out a legal framework that could be used against nations like North Korea, which withdrew from the Non-Proliferation Treaty after building a nuclear infrastructure ostensibly for peaceful use, and Iran, which remains a signatory *but is believed to be using energy technology for a nuclear-weapons program*. No one involved anticipates that a nation that supplies nuclear technology to a scofflaw could simply move in to claim it (Wall street Journal, 25 september2009).

گزیده ۲) این قطع‌نامه چارچوب قانونی را وضع می‌کند که می‌تواند علیه کشــورهایی نظیر کره شــمالی به‌کار رود، که پس از ســاخت تأسیســات هســته‌ای ظاهراً صلح‌آمیز از پیمان منع گســترش فاصله گرفته اســت، و ایران، که خود یکی از امضاءکنندگان این پیمان اســت *ولی اعتقاد بر این است که از فناوری انرژی [هسته‌ای] برای برنامه تولید سلاح‌های هســته‌ای اســتفاده می‌کند*. هیچ‌یک از طرفین درگیر نمی‌تواند پیش‌بینی کند کشوری که با

.1 transitive.

2. Non-Profileration Treatment.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

تجهیز خود به فناوری هسته‌ای، قوانین را نقض می‌کند، به‌راحتی می‌تواند مدعی آن قانون گردد.

این قطع‌نامه، قطع‌نامه امنیت هسته‌ای است که از سوی دولت آمریکا به شورای امنیت سازمان ملل پیشنهاد و در ماه مه ۲۰۰۹ (مهر ۱۳۸۸)، به اتفاق آراء تصویب شد. طبق مفاد این قطع‌نامه، استفاده نظامی از فناوری هسته‌ای ممنوع اعلام شده است. همچنین، کشورهای دارای فناوری هسته‌ای باید مواد و لوازم هسته‌ای ذخیره‌شده خود را در صورتی که با نظارت بازرسان سازمان ملل متحد، با مفاد این قطع‌نامه سازگار نباشد، برگردانند (سایت سازمان انرژی اتمی ایران/ www.aeoi.org.ir).

در این گزیده، در گزاره اول، موافقان قطع‌نامه، سعی در مشروعیت‌بخشی به واکنش جمعی امضاکنندگان قطع‌نامه نسبت به کشورهایی را دارند که به باور آنها از پیمان ان. پی. تی. عدول کرده‌اند؛ مثل ایران و کره شمالی که نویسنده آنها را از لحاظ جایگاه بین‌المللی در یک گروه قرار داده است. از فعالیت هسته‌ای کره‌شمالی با صفت «ظاهراً صلح‌آمیز»، ارزیابی واژگانی منفی صورت گرفته است و از ایران نیز با نشان دادن تناقض در اعمالش (عدم اجرای تعهداتش)، در درون راهکار نفی صوری، بازنمایی منفی و مشروعیت‌زدایی شده است؛ زیرا از یک سو، از موافقان و امضاکنندگان پیمان ان. پی. تی. است و از سوی دیگر، در جهت نقض آن عمل می‌کند. به‌علاوه، از نگرشی منفی نسبت به ایران صحبت می‌کند که پایه و اساس آن، ایجاد آینده فرضی خطرناک از تولید سلاح هسته‌ای توسط ایران است. از نظر غرب، ایران آن‌چنان قابل اعتماد نیست که از فناوری هسته‌ای برخوردار باشد و فقط کاربرد صلح‌آمیز از آن داشته باشد، چرا که همواره عدم پایبندی به قوانین و بی‌اعتنایی به دیگران را از خود نشان داده است. لذا، از ایران به‌عنوان هویتی منفعل و غیرقابل پیش‌بینی، مشروعیت‌زدایی شده است. همچنین، هویت وارونه ایران در افعال حال ساده (remains) و حال استمراری (to be using) حاکی از تداوم این هویت دوگانه ایران است.

Excerpt 3) In Washington last night Mr. Obama welcomed the Geneva talks as "a good start" *but stressed that Iran must take "concrete steps" to meet its obligations under international law*. "We've made it clear that we will do our part to engage the Iranian government on the basis of mutual interest and mutual respect *but our patience is not unlimited*," the President said (Independent, 2 October 2009).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

گزیده ۳) شـــب گذشته در واشـــنگتن آقای اوباما با اســـتقبال از گفتگوهای ژنو، آن را به‌عنوان «شروع خوبی» قلمداد کرد *ولی همچنان بر این موضوع تأکید ورزید که ایران باید گام‌هایی جدی در جهت تعهدات خود در راســـتای قوانین بین‌المللی بردارد*. رئیس‌جمهور گفت: «ما به وضوح نشـــان داده‌ایم که به ســـهم خود و بر اســـاس علایق مشترک و احترام متقابل خواهان مشارکت با ایران هستیم *ولی در عین حال صبرمان نامحدود نیست*».

در ایـــن گزیـــده، انتخاب کلمه «ما»، بیانگـــر قطب‌بندی ایدئولوژیکی اســـت. این کلمه نشـــان‌دهنده اعضای داخل گروه، یعنی امریکا و متحدانش است که با این روش، از وجهه آنها محافظت شـــده است. همزمان، این شیوه، بازنمایی منفی اعضای خارج از گروه، یعنی ایران نیز هست. این طبقه‌بندی از گروه «ما» و «آنها» در کاربرد واژه «ما»، از طریق احساسات و نگرش‌های نشـــان‌داده شـــده، یک عمل ایدئولوژیک برای تقویت ســـلطه است. از سوی دیگر، اوباما از راهکار انکار با عملکرد پذیرش صوری اســـتفاده کرده است که توجیهی بر دفاع از خود است. هرچند، او این پذیرش را با استفاده از کلمه ربط «اما» رد می‌کند. او در ابتدا، در مورد احترام و پذیرش علایق مشـــترک صحبت می‌کند و مشروعیت خود را حفظ می‌کند ولی در آخر، با استفاده از کلمه «صبر»، تداومی به بازنمایی منفی از ایران در جریان غنی‌ســـازی اورانیم می‌دهد و از آن مشـــروعیت‌زدایی می‌کند که البته این راهکار، بر کاربرد فعل وجهی[1] «باید» (must) در جمله اول، مبنی بر ضرورت شـــدید واکنش جدی ایران به گفتگوهای هســـته‌ای، صحه می‌گذارد. ایـــن کار صرف‌نظر کردن از یک دیدگاه (پذیرش و احترام متقابل طرفین و عدم تمایل ایران) به خاطر سلطه یا مشروعیت‌بخشی/ زدایی است؛ ون‌دایک این شیوه را «دستکاری شناختی»[2] می‌نامد (ون‌دایک، ۲۰۰۶ب).

Excerpt 4) Some contact between the two countries has taken place over Afghanistan, most recently at last month's international conference on Afghanistan in The Hague, attended by Mrs Clinton and Iranian representatives. President Obama, has served notice he wants to go much further. In March he sent a personal video address to the Iranian people, referring to the country as "The Islamic Republic" and offering an end to years of stand off *but if Iran softened the bellicose rhetoric for which Mr Ahmedinejad is notorious* (Independent, 10 April 2009).

گزیده٤) برخی مراودات میان دو کشور (ایران و آمریکا) در مورد افغانستان و در کنفرانس

1. modal.
2. cognitive manipulation.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

اخیر بین‌المللی ماه گذشته در شهر لاهه صورت پذیرفت که در آن خانم کلینتون و نمایندگان ایران شرکت داشتند. رئیس‌جمهور اوباما ابراز داشت که می‌خواهد فراتر از این گام بردارد. در ماه مارس، وی در خطابه‌ای ویدئویی به مردم ایران، ایران را با نام «جمهوری اسلامی» خواند و خواهان اتمام تقابل ایران با آمریکا پس از سال‌ها مخالفت شد *اما در صورتی که ایران لفاظی ستیزه‌جویانه‌ای که آقای احمدی‌نژاد به آن بدنام شده است، را کنار بگذارد.*

نویسنده در این گزیده، تلاش دارد تا با استفاده از راهکار پذیرش صوری، نشان دهد که اوباما، جمهوری اسلامی ایران را پذیرفته و برای آن احترام قائل است و در صدد برقراری ارتباط با ایران است، به‌طوری که درخواست پایان دادن به مناقشات بین دو دولت را دارد. ولی در ادامه، این برقراری ارتباط را در شرایطی امکان‌پذیر می‌داند که ایران در سیاست‌های هسته‌ای خود تغییر رویه دهد. با این شیوه، به رفتار احترام‌آمیز اوباما نسبت به ایران مشروعیت داده می‌شود. در ضمن، با استفاده از کلمه «اما» از لفاظی‌های ستیزه‌جویانه رئیس‌جمهور ایران، مشروعیت‌زدایی می‌شود. چنین بازنمایی مثبت از خود و بازنمایی منفی از دیگری، اقدامی ایدئولوژیک است که به رابطه سلطه صحه می‌گذارد.

Excerp 5) "When we find that diplomacy does not work, we will be in a much stronger position to, for example, apply sanctions that have bite," Obama said. "*But, that's not the preferred course of action*. I would love nothing more than to see Iran choose the responsible path". The president did not rule out a military option, *but* added: "*I will also re-emphasize that my preferred course of action is to resolve this in a diplomatic fashion*" (Guardian, 27 September).

گزیده۵) اوباما گفت: «وقتی بفهمیم که سیاست دیپلماسی، دیگر کارساز نیست، در جایگاه مستحکم‌تری خواهیم بود مثلاً تحریم‌هایی را اعمال کنیم که تأثیرگذار باشند. *ولی این راهکار مطلوبی نیست*. من هیچ چیز را بیشتر از این که ایران روش مسئولانه‌ای را برگزیند، دوست ندارم». رئیس‌جمهور گزینه برخورد نظامی را منتفی ندانست *ولی افزود: «من دوباره تأکید می‌کنم که راهکار من برای حل این مشکل، از طریق دیپلماتیک است».*

در این گزیده، راهکار خودمشروعیت‌بخشی و دیگرمشروعیت‌زدایی از طریق همدلی صوری اعمال شده است که شامل درخواست عاطفی است. اوباما از عبارات نشان‌گر همدلی یعنی «علاقه به اتخاذ روش مسئولانه از سوی ایران»، یا «این راهکار (اعمال تحریم‌ها)، راهکار مطلوبی نیست»، استفاده کرده است تا عمل خود را موجه و منطقی و کنش ایران را غیرموجه و غیرمسئولانه جلوه دهد. در رابطه با مشروعیت، اوباما، از ضمیر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

شـــخصی«من» اســـتفاده کرده است تا تمایل عمیق خود را برای رسیدن به هدف خود یعنی توقف فعالیت هسته‌ای ایران نشان دهد. همچنین، ضمیر «ما»، نگرش افراد درون‌گروه یعنی تمایل غربی‌ها را به اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران نشان می‌دهد زیرا «ما» به گویندگان یا نظر جمعی گروه اشـــاره دارد. در توجیه چنین عملی، او احســـاس همدلی را بیان می‌کند تا مخاطبان خود را برای باور ایده خود متقاعد کند.

Excerpt 6) America's most vexing enemy is plagued by growing internal dissension, a vocal opposition movement that won't die and a crisis of legitimacy. All good news for U.S. policy makers, right? Not necessarily. The country in question is, of course, Iran, and the upheaval there actually is making the job of crafting an American strategy more difficult. The crucial weeks lie just ahead; the gravity of the coming decisions on how to proceed will be underscored Friday, when the International Atomic Energy Agency releases its latest report on Iran's nuclear program. And here's the most likely outcome: The U.S. will leave the door open to engagement with Iran, *but won't be trying as hard as before to coax the Iranians into walking through it*. The situation is made all the more dramatic because the internal chaos created by June's dubious presidential election in Iran shows no sign of abating. The most likely American message to Iran that emerges in coming weeks is this: The opportunity to discuss that offer remains open, *but we're not going to chase you around to persuade you to take it* up. The decision on whether to walk through an open door will be Iran's (Wall street journal, 28 August 2009).

گزیده ٦) با افزایش اختلافات داخلی، آزاردهنده‌ترین دشـــمن آمریکا در وضعیت بدتری قرار گرفته است و این جنبش پرهیاهوی مخالف و بحران مشروعیت، دیگر آرام نمی‌نشیند. آیا برای سیاســـت‌مداران آمریکایی، این خبر خوبی اســـت؟ ضرورتاً نه. یقیناً، کشـــور مورد بحث ایران است و اغتشاش در آن، اعمال استراتژی‌های ماهرانه را از سوی آمریکا دشوارتر کرده اســـت. هفته‌های بحرانی‌ای در پیش روســـت. اهمیت تصمیمات پیش رو بر چگونگی پیشرفت موضوع (هسته‌ای) در روز جمعه مشخص می‌گردد که قرار است در آن روز، آژانس بین‌المللـــی انرژی اتمی آخرین گزارش خود را در مورد برنامه هســـته‌ای ایران منتشـــر کند. محتمل‌ترین نتیجه این است که آمریکا باب گفتگو برای همکاری با ایران را باز می‌گذارد *ولی مانند گذشـــته خیلی تلاش نمی‌کند که ایرانی‌ها را به این کار ترغیب کند*. این وضعیت، همه چیز را شـــگفت‌آورتر کرده است چون اغتشاشات داخلی ایران پس از انتخابات شک‌برانگیز ریاست‌جمهوری در ماه ژوئن، هیچ نشانه‌ای از خاتمه موضوع هسته‌ای را نشان نمی‌دهد. در هفته‌های آینده، محتمل‌ترین پیغام آمریکا به ایران عبارت است از: فرصت گفتگو در مورد این

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]
[DOI: 10.20286/priw-030297]

پیشـــنهاد، باز است *ولی ما سعی نداریم که به دنبال شما بیاییم و شما را به ورود به مذاکرات راضی کنیم*. تصمیم برای مذاکره از طریق درهای باز بر عهده خود ایران است.

در این گزیده، شـــیوه تلاش صوری برای مشـــروعیت‌زدایی ضمنی از فعالیت هسته‌ای ایران به‌کار رفته اســـت. این شیوه با بهره‌گیری نویســـنده از عبارت «(آمریکا) مانند گذشته خیلی تلاش نمی‌کند که ایرانی‌ها را به این کار ترغیب کند» انجام شده است که در حمایت از این فکر اســـت که آمریکا، طی سال‌های متمادی، تلاش بسیاری در جهت رفع مناقشات اتمی کرده اســـت. چنین ساختاری به همراه راهکار انکار، تصویری مثبت از آمریکا (داخل گروه) و تصویری منفی از موضع سیاســـی ایران در سطح بین‌المللی ارائه می‌کند. گاوریلی ـ نوری (۲۰۱۰) اشاره می‌کنند که «گفتمان صلح زبانی»[1] در درون «گفتمان صلح ظالمانه»[2] قرار دارد که نگرشـــی منفی را بیان می‌کند. به این معنا که آنچه توســـط ایران انجام شـــده است، مانعی بر سر راه گفتمان صلح هسته‌ای است. این مسئله مهم نیست که ایران پیشنهاد مذاکرات صلح هسته‌ای را رد می‌کند. بلکه این مهم است که آمریکا همیشه برای پایان دادن به مناقشـــات اتمی تلاش زیادی می‌کند و مشـــروعیت خود را به‌عنوان حافظ امنیت جهانی به‌دســـت می‌آورد. به‌علاوه، ایران به‌عنـــوان گروه «دیگری»، از جایگاه و شـــأنی برخوردار نیست که آمریکا به‌دنبال کسب رضایت او باشد.

در گزیده بالا، راهکار تلاش صوری، برای مشروعیت‌بخشـــی، از شـــیوه طبقه‌بندی «ما» و «آنها» استفاده می‌کند که بازنمایی‌های مثبت و منفی را به‌تصویر می‌کشد. ضمیر «شما» (you) خطاب به ایران، به‌عنوان گروه به‌حاشیه‌رانده‌شـــده و منزوی در جهان بین‌الملل اشاره می‌کند و ضمیر «ما» نشان‌دهنده آمریکا و متحدانش است که به‌عنوان گروه مثبت با او موافقند. این ضمیر، بازنمایی نابرابری را نشـــان می‌دهد که ســـلطه آمریکا را بر مذاکرات هســـته‌ای تقویت می‌کند. نویسنده برای تحریک احساسات مخاطبان و توضیح سلطه آمریکا بر ایران، از ساختار بیانی و فن تکرار مؤلفه‌های زبان‌شناختی گروه «ما» به همراه انکار استفاده می‌کند. چنین ساختار بلاغی‌ای بر وحدت بین‌المللی در راســـتای مشروعیت‌بخشی به اقدامات بعدی آمریکا و متحدانش تأثیر می‌گذارد. همین‌طور، این کار یک احساس منفی در مورد این که ایران به‌طور پایدار مناقشه به وجود می‌آورد، ایجاد می‌کند و اقدامات سیاسی آمریکا را موجه می‌کند.

1. language peace discourse.
2. oppressive peace discourse.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

در بررسی‌ای که از متون سرمقالات غربی مربوط به فعالیت هسته‌ای به‌عمل آمد، معلوم گشـــت که راهکار انکار می‌تواند توأماً بـــا دو عملکرد پذیرش و تلاش صوری و به هدف مشروعیت‌بخشی/ زدایی به‌کار رود. مثل نمونه زیر:

Excerpt 7) The effort to directly engage Iran was a hallmark of the early months of the administration, with President Obama offering a televised greeting in honor of the Persian New Year and sending private letters to the country's supreme leader. *But the gestures went largely unreciprocated*. Now, while not shutting the door on engagement entirely, the United States and its allies plan to forocefully press the case that Tehran has been caught, red-handed, in yet another violation of international rules (Washington Post, 26 September 2009).

گزیده ۷) تلاش برای برقراری رابطه مســتقیم با ایران مشــخصه بارز ماه‌های نخستین ریاســت‌جمهوری اوباما بود. در آن ماه‌ها، رئیس جمهور اوباما به احترام ســال نو ایرانی در یک برنامه تلویزیونی پیام تبریک گفت و به رهبر معظم ایران نامه‌ای شــخصی فرستاد *ولی این رفتار او، تا حد زیادی یک‌طرفه و بی پاسخ ماند*. اکنون در حالی که آمریکا و متحدانش درهای همکاری را به‌طور کامل نبســته‌اند، قصد دارند به‌دلیل نقض دیگر قوانین بین‌المللی سر بزنگاه مچ تهران را بگیرند و فشار بیشتری به آن وارد آورند.

در این گزیده، شیوه تلاش صوری، برای مشروعیت‌بخشی به خود (آمریکا) و با بهره‌گیری از واژه تلاش (effort) و عبارت «مشــخصه بارز ماه‌های نخستین ریاست‌جمهوری اوباما» انجام شده است. این شیوه بازنمایی در ورای این فکر است که شاخصه دولت اوباما، تلاش بســیار برای رفع مباحثات هسته‌ای با ایران است. این ســاختار، بازنمایی مثبتی از سیاست آمریــکا و تلاش‌های آن ارائه می‌دهــد. در ادامه می‌بینیم که با اعمال راهکار انکار، شــیوه برخورد ایران با تلاش آمریکا، به حالت منفی بازنمایی شــده اســت چرا که به پیام تبریک اوباما، پاسخی نداده و تمایلی به برقراری رابطه با آمریکا نشان نداده است. همچنین، شیوه پذیرش صوری نیز در این گزیده اعمال شــده است. به این نحو که در ابتدا، با بیان تبریک اوباما به مناســبت ســال نو ایرانی و ارسال نامه به رهبر ایران، مشــروعیتی به این اقدامات اوباما در راستای برقراری رابطه مطلوب با ایران می‌دهد ولی در انتها، از عدم پاسخ ایران و نیز اعمال فشار بیشتر برآن سخن می‌راند و به این ترتیب از ایران مشروعیت‌زدایی می‌کند.

شــایان ذکر است که در بررســی متون مورد نظر، موردی را یافتیم که در آن از راهکار انکار به شــیوه‌ای معکوس اســتفاده شده اســت. به این ترتیب که در ابتدا جمله‌ای منفی و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

مشـــروعیت‌زدایی از «دیگری» صورت گرفته و در آخر، با اســـتفاده از راهکار انکار، جمله مثبت و مشروعیت‌بخشی به خود اعمال شده است:

Excerpt 8) As a Presidential candidate, Barack Obama called a nuclear Iran "a grave threat" and said "the world must prevent Iran from obtaining a nuclear weapon". *But he also called for direct, high-level talks in the hopes that the mullahs could be persuaded to abandon their nuclear dreams* (Wall Street, 4 March 2009).

گزیـــده ۸) باراک اوباما، به‌عنوان یک نامزد انتخاباتی اظهار داشـــت که ایران هســـته‌ای، تهدیدی جدی است و گفت که: «جهان باید مانع از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای شود». *ولی وی همچنین خواهان گفتگوهای مســـتقیم و ســـطح بالا شـــد و گفت امیدوار است که ملاها راضی شوند از آرزوهای هسته‌ای خود دست بردارند.*

در ایـــن گزیده، اوبامـــا در ابتدا به این طریـــق از ایران مشـــروعیت‌زدایی می‌کند که به جای ایران، از گروه اســـمی «تهدید جدی» اســـتفاده می‌کند که جهان باید مانع از دســـتیابی آن به ســـلاح هسته‌ای شـــود. او فعالیت هسته‌ای ایران را با ویژگی منفی «تهدیدآمیز بودن»، ارزیابـــی و مشـــروعیت‌زدایی می‌کند و در انتها، از طریق راهکار انـــکار و ابراز تمایل او به برقـــراری رابطه مســـتقیم با ایران، و نیـــز کاربرد واژه «ملاها» به‌جـــای «حکومت جمهوری اســـلامی ایران»، مقامـــات ایرانی را ارزش‌یابی منفی و تحقیر می‌کنـــد و جایگاه خود را در نقشی فعال و سازنده می‌بیند که امیدوار به متقاعدسازی مقامات ایرانی در برقراری ارتباط و جلوگیری از دســـت‌یابی به آرزوهای هسته‌ای است. شاید بتوان گفت که کاربرد ساختار انکار معکوس، به این علت است که سیاست‌مدار (اوباما) در صدد برجسته‌سازی بازنمایی منفی از «دیگری» و خلق آینده‌ای بســـیار خطرناک از این «دیگر» است تا بتواند احساسات مخاطبان خود را بیشتر برانگیزد و با نگرش‌های خود همنوا سازد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

نتیجه‌گیری

دولت‌های سلطه‌گر غربی از جمله آمریکا، که در صدد متقاعدسازی و همنواسازی افکار عمومی با ایدئولوژی خود هستند، از طریق دگرمفهوم‌سازی ساختارهای زبانی و القای ایدئولوژی خود با شعار عدم صلاحیت ایران در دستیابی به فناوری هسته‌ای، سلطه خود را در جهان جهت می‌دهند و خود را به‌گونه‌ای در متون معرفی می‌کنند که بانی اقدامات مسئولانه و متعهدانه در راستای ایجاد امنیت جهانی هستند. از نظر دولت‌های حاکم، جنگ، از جمله جنگ نرم و (باز)تولید سلطه مجاز است و آزادی عمل فقط برای گروه «خودی»هاست. مخالفان نه‌تنها هیچ جایگاه و شأنی ندارند بلکه همیشه با سوءظن نگریسته می‌شوند. این دیدگاه غیریت/ دشمن‌آفرین است که سخت‌گیری علیه «غیرخودی»ها را مجاز می‌داند. گفتمان غرب بر عدم توانایی ایران در تشخیص صلاح خویش تأکید دارد و فعالیتی را که مطابق قوانین به اصطلاح بین‌المللی نیست فعالیتی غیرمشروع می‌داند.

تحلیل گفتمان سیاسی به معنی بررسی ضمایر و گزاره‌های زبانی در یک متن و روابط بین آنها و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است. به‌نظرمی‌رسد گفتمان مطبوعات غربی (با زبان قدرت) با توجه به دیدگاه‌های دولت‌مردان غربی در خصوص فعالیت هسته‌ای ایران در عرصه بین‌الملل که همانا مشروعیت‌بخشی به اعمال حاکمیت آنان می‌باشد، سعی در ارائه تصویری مثبت از حاکمیت خود در محافل بین‌المللی دارد. اعضای داخل گروه، آمریکا و متحدان آن و در همین حال اعضای خارج از گروه، شامل ایران و حامیان فعالیت هسته‌ای آن را پوشش می‌دهد. این مقاله چنین گفتمانی را از روشی می‌نگرد که غرب راهکار مشروعیت‌بخشی/ مشروعیت‌زدایی را در داخل محدوده انکار تولید می‌کند تا از چهره مثبت «ما»، حفاظت و همزمان چهره «آنها» را کم‌اهمیت جلوه دهد.

در سطح تحلیلی خرد متون مطبوعات غربی مربوط به فعالیت هسته‌ای ایران، این دلالت‌های ضمنی، هویت شرکت‌کنندگان در گفتمان هسته‌ای و گفتمان به صورت زیر استنباط گردید:

جدول۱ : دلالت‌های ضمنی

۱	آمریکا، تداوم فعالیت هسته‌ای ایران را غیرمشروع می‌داند.
۲	آمریکا، حکومت‌هایی را که به تعهدات بین‌المللی پایبند نیستند، مشروع نمی‌داند.
۳	آمریکا، قوانین مصوب شورای امنیت سازمان ملل را مشروع و معتبر می‌داند.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

٤	آمریکا، سعی دارد خواسته‌های خود را به ملت‌های دیگر به بهانه کمک به آنها تحمیل کند.
٥	آمریکا که دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای را یکی از دغدغه‌های خود می‌داند، سعی دارد تا نگرش خود را در خصوص توقف فعالیت هسته‌ای ایران، در محافل بین‌المللی مشروع جلوه دهد.

جدول ۲: هویت شرکت‌کنندگان در گفتمان هسته‌ای

١	آمریکا: قدرت برتر جهان، مسئول، قاطع، شفاف، منطقی، حامی و دلسوز ایران، که حق تصمیم‌گیری برای ایران را دارد.
٢	ایران: کشور بی‌اعتنا، مردد، مبهم و غیرمنطقی در تصمیمات مهم هسته‌ای.
٣	سازمان ملل متحد: نهاد واسطه و ابزار تحقق اهداف آمریکا در امنیت ملت‌ها.

جدول۳: گفتمان سلطه

١	حق تنبیه ایران و مشروعیت آن.
٢	قطبی‌سازی خودی و غیرخودی (آمریکا، مخالف فعالیت هسته‌ای ایران در گروه «خودی» و ایران در گروه «غیرخودی»).
٣	احساس وظیفه از سوی آمریکا، ضرورت احساس تکلیف از سوی ایران و نابردباری آمریکا در صورت عدم رعایت آن.
٤	آزادی و جهان برای گروه «خودی» (آمریکا).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

عمـــل انکار، همراه با ســـاختار خرد متـــن، می‌تواند به اهمیت و نفـــوذ کلام و جایگاه بیافزاید. نویســـندگان غربی از این شیوه استفاده می‌کنند تا به موضع سیاسی سیاست‌مداران خود مشـــروعیت دهند و همزمان جایگاه مخالف خود (ایران) را در مورد فعالیت هسته‌ای مشروعیت‌زدایی کنند. به‌علاوه، برخی راهکارهای مشروعیت گفتمان (درخواست عاطفی، آینده فرضی، عقلانیت) به‌منظور مشـــروعیت به خود و مشـــروعیت‌زدایی از دیگری به‌کار گرفته می‌شـــوند. نویسندگان سرمقالات غربی، موضوع فعالیت هســـته‌ای ایران را انتخاب می‌کنند و این‌طور بیان می‌کنند که به علت امتناع ایران از توقف فعالیت هسته‌ای، این مسئله حل و فصل نمی‌شود.

در مجموع، همه درگیری‌ها بر سر پذیرش توقف فعالیت هسته‌ای از سوی ایران است. لازم به ذکر است، این مناقشات، زمانی به پایان خواهد رسید که هر دو طرف درگیر آشکارا در جهت رفع آن گام بردارند. در این مورد، تقســـیم هســـته‌ای آمریکا و ایران، مسئله‌ای بین آمریکا و ضدآمریکا است. آمریکا در واکنش به موضوع مناقشه‌برانگیز هسته‌ای، سعی کرده

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

تا این مفهوم را با اعمال راهکار انکار خود تغییر دهد، و این‌گونه استدلال می‌کند که ممکن است با پذیرش توقف غنی‌سازی اورانیم از سوی ایران، مناقشات هسته‌ای حل گردد. با این حال، این جدال که از سوی ایران جریان می‌یابد، بیشتر با ابزار موجه‌سازی نظری و راهکار انکار، مشروعیت‌بخشی به نگرش آمریکا و مشروعیت‌زدایی از اقدامات ایران در گفتمان اعمال شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود گفتمان مطبوعات غربی، دارای رویکردی انحصاری در زمینه‌های سیاسی و علمی است. در ضمن، از جمله عملکردهای انکار، عملکرد عذرخواهی، انتقال و وارونگی است که در متن سرمقالات مورد بررسی یافت نشد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال سوم،
شماره دوم،
تابستان ۱۳۹۲

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

کتابنامه

اندرین، چالز (۱۳۷۸). **زندگی سیاسی و تحولات اجتماعی: مقدمه‌ای بر علم سیاست**، مهدی تقوی، تهران: مؤسسه عالی علوم سیاسی و امور حزبی بیتا.

ایزدی، فؤاد و حکیمه سقای بی‌ریا (۱۳۸۷). «تحلیل گفتمان سرمقاله‌های روزنامه‌های برجسته آمریکا درباره برنامه هسته‌ای ایران»، جمال‌الدین اکبرزاده، **فصلنامه رسانه**، ش۷۳، صص ۱۲۵-۱۰۱.

بشیر، حسن (۱۳۸۹). «تصویر پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های جهان با رویکرد تحلیل گفتمانی»، **ماهنامه مدیریت ارتباطات**، ش۲، صص ۹-۷.

پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۷). **مبانی دانش اداره و حکومت**، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.

پوشنه، آتنا و مرتضی بابک‌معین (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان انتقادی در اثری از ابراهیم گلستان با استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی ـ معنایی ـ گفتمان‌مدار با توجه به بازنمایی کارگزاران اجتماعی»، **فصلنامه جستارهای زبانی**، دوره٤، ش۲، صص ۲۵-۱.

پهلوان‌نژاد، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۸). «شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی ـ معنایی»، **مجله تخصصی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان**، دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش۱، صص ۷۳-۵۱.

حشمت‌زاده، محمدباقر، مریم سادات غیاثیان و حمداله اکوانی (۱۳۹۰). «شرق‌شناسی و بازنمایی رسانه‌ای ایران در آمریکا: نگاهی به سطح خرد زبانی»، **رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، ش۲۷، صص ۵۸-۲۹.

حق‌پرست، لیلا (۱۳۹۱). «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در داستان بهمن از شاهنامه و بهمن‌نامه (بر اساس مؤلفه‌های جامعه‌شناختی ـ معنایی در تحلیل گفتمان)»، **فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی**، د۳، ش۲، صص ٤٥-٦٢.

حیدری تبریزی، حسین و آیت‌الله رزم‌جو (۱۳۸٤). «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیل توجیهی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی ـ معنایی»، **نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز**، ش مسلسل ۱۹۵، صص ۳۳-۳.

دعاگویان، داود (۱۳۸۷). «بازی‌های زبانی در گفتمان‌های هسته‌ای گروه۱+۵ با ایران»، **فصلنامه رسانه**، ش۷٦، صص ۵۸-٤۱.

ذوالفقار روشن، مریم (۱۳۸۸). «بازنمایی گفتمان هسته‌ای ایران به روایت رئیس جمهورهای دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، رشته زبان‌شناسی، دانشگاه الزهرا، تهران.

صاحبی، سیامک و دیگران (۱۳۸۹). «بررسی و نقد روایی گلستان بر اساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان»، **فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی**، ش۱٦، صص ۱۳۳-۱۰۹.

عامری گلستانی، حامد و نفیسه سادات قادری (۱۳۹۱). «نگاهی گفتمانی به اسلام‌هراسی»، **فصلنامه**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال دوم، ش٤ (پیاپی٥)، ص ١٢٩.

عسگرخانی، ابومحمد و محمود بابایی (١٣٩١). «امنیت هستی‌شناختی و مسائل امنیتی خلیج فارس بعد از انقلاب اسلامی ایران»، **فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام**، سال دوم، ش٤ (پیاپی٥)، ص ١٥٤.

غیاثیـــان، مریم ســـادات (١٣٨٦). «بازنمایی اســـلام در نشـــریات آمریکا و انگلیس قبـــل و بعد از یازده سپتامبر»، **رساله دکتری**، رشته زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

غیاثیان، مریم ســـادات (١٣٨٧). «بازنمایی ما و آنها، تصویر سفیدپوستان و مسلمانان در نشریات غرب پس از ١١سپتامبر»، **فصلنامه رسانه**، سال ١٨، ش٤، صص ٢١٣-٢٠٥.

غیاثیان، مریم ســـادات (١٣٨٨). «بازتاب نگرش فرهنگی غرب نســـبت به ایران در ســـاخت‌های زبانی نشریات انگلیسی زبان»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، دوره دوم، ش١، صص ١٣٩-١٢٣.

Alexander, M. F. (2012). "Critical Discourse Analysis of Interviews with Portuguese Scientists- Representation and Legitimation of Scientific Knowledge and its Specialists", **Ph.D. Thesis**, Faculty of Letters, University of Lisbon.

Amer, M. Mosheer (2009). ”Telling it like it is: Delegitimation Stategy of the Second Palestinians Intifadha in Thomas Friedman's Discourse“, **Discourse and Society**, 20 (1), pp. 5-31.

Boggs, Carl (2003). “Outlaw Nation: The Legacy of U.S. War Crimes”, In: Carl Boggs, Ed., **Masters of War: Empire and Blowback in the Age of American Empire**, New York and London: Routlege, pp.191-226.

Chang, Gordon C. (2008). “The Politics of Representation and the Social Order: In the War on Terror”, **Ph.D. Dissertation**, University of California, San Diego.

Chaowei, Pang. “The Discursive Re-legitimation of the Iraq war in George w.Bush ‘s speeches: A corpus-assisted Critical Discourse study", **Ph.D. Dissertation,** National university of Defence Technology, Changsha, China.

Chouliaraki, L. (2005). “Spectacular ethics: On the television footage of the Iraq war”, **Journal of Language and Politics**, 4(1), pp.143-159.

De Olivera, Sandi M. (2011). “Promoting Brazil at the UN: Dilma Rousseff's Lgitimation Strategy of Authority and Morality“, **Language Discourse & Society**, 1 (1), pp. 140-169.

Fairclough, I. and N. Fairclough (2012). **Political Discourse Analysis: A Method for Advanced Students**, London: Routledge.

Fairclough, Isabela Ietcu (2008). “Legitimation and Strategic maneuvering in the Political field“, **Argumentation**, University of Bucharest,22 (3), pp. 399-417.

Fairclough, N. (1989). **Language & Power**, London: Longman.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

Fairclough, N. (2003). **Analysing Discourse: textual analysis for social research**, London: Routledge.

Fairclough, N. and Wodak, R. (1997). "Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction", in: Van Dijk (ed.), **Discourse as Social Interaction**, London: Sage Publications.

Fowler, R. (1991). **Language in the News**, London: Routledge.

Gavriely, Dalia-Nuri (2010). "the Idiosyncratic Language of Israeli "Peace": A Cultural Approach to Critical Discourse Analysis (CCDA)", **Discourse and Society**, 21 (5), pp. 565-585.

Gramsci, Antonio (1971). **Selections from the Prison Notebooks of Antonio Gramsci**, Translated Quintin Hoare and Geoffrey N. Smith, New York: International Publishers.

Ji, S. (2002). "Identifying Episode Transitions", **Journal of Pragmatics**, 34, pp. 1257-1271.

Joseph John, E. (2006). **Language and Politics**, Edinburg: Edinburg University Press.

Kamalu, Ikenna (2011). "A Critical Discourse Analysis of Goodluck Jonathan's Declaration of Interest in the PDP Presidential Primaries", **Language, Discourse, and Society**, 1 (1), pp. 32-54.

Martin, Joudie (2012). "On Notes and Knowers: The Representation, Lgitimation and Evaluation of jazz, Discipline of linguistics", **Ph.D. Thesis**, university of Adelaide.

Reyes, Antonio (2011), "Strategies of Legitimation in Political Discourse: From Words to Actions", **Discourse and Society**, 22 (6), pp. 781-807.

Richardson, John E. & Barkho, Leo (2009). "Reporting Israel/Palestine", **Journalism Studies Journal**, 10 (5), pp. 594-622.

Richardson, John E. (2007). **Analysing Newspapers: An Approach from Critical Discourse Analysis**, Palgrave Macmillan.

Roy, Arundhhati (2003). «Wars are Never Fought for Altruistic Reasons», in: Micah L. Sifry and Christopher Cerf (ed.), **The Iraq War Reader: History, Documents, Opinions**, New York: Simon and Schuster.

Schaffner, C. (2004). "Political Discourse Analysis from the point of view of translation studies", **Journal of Language and Politics**, 3 (1), pp. 117-150.

Suchman, M. C. (1995). "Managing Legitimacy: Strategic and Institutional Approaches", **Academy of Management Review**, Vol. 20, No. 3, pp. 571-610.

Van Dijk, T. (1991). **Racism and the Press**, London: Routledge.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]

Van Dijk, T. (1993). ”Principles of Critical Discourse Analysis“, **Discourse & Society**, Vol. (4) 2, pp. 249-283.

Van Dijk, T. (1996). "Opinions and Ideologies in Editorials”, **International Symposium of Critical Discourse Analysis, Language, Social Life and Critical Thought**, Athens.

Van Dijk, T. A. (1988). **News Analysis; Case studies of international and national news in the press**, Hillsdale, NJ: Erlbaum.

Van Dijk, T. A. (1998). **Ideology A multidisciplinary Approach**, London: Sage Publication.

Van Dijk, Teun A. (2006b). “Discourse and Manipulation”, **Discourse and Society**, 17 (2), pp 359-383; Retrieved July 10th, 2012, from: http://www.Discourse.org.

Van Leeuwen, T. (2008). **Discourse and Practice: New Tools for Critical Discourse Analysis**, Oxford: Oxford University Press.

Wodak, Ruth & Meyer, Michael (2009). **Methods of Critical Discourse Analysis (Introducing Qualitative Methods Series)**, Sage Publications.

Wodak, Ruth (1996). **Disorders of Discourse**, London: Addison Wesley Longman.

Zu, Yunxia & Mchenna, Bernard (2012). ”Legitimating a Chinese Takeover of an Australian Iconic Firm: Revisiting Model of Media Discourse of Legitimacy“, **Discourse and Society**, 22 (5), pp. 525-552; Retrieved from: dcm.Sagepub.Com, Oktober, 18th, 2012.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-24]

[DOI: 10.20286/priw-030297]